

اصالت وجود صدرایی و برخی پیامدهای هستی‌شناختی آن

محمد نجاتی^۱

چکیده

ملاصدرا در قبال مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت دو رویکرد متفاوت دارد. این تفکیک بدان جهت است که وی در تبیین مبنای اصالت وجود در برخی مواضع مؤیداتی را ذکر می‌کند که گاهی گویای تحقق تبعی ماهیت بوده و گاهی نیز مستلزم نفی هرگونه تحقق خارجی ماهیت است. این تفاوت باعث شده تا صدرا در قبال برخی مسائل نظام فلسفی خویش، دارای دو نگرش باشد که البته در غالب این مواضع نگرش نهایی وی متلائم با مبنای نفی تحقق ماهیت در عالم خارج است. در مطالعه حاضر بر اساس این شاخص، برخی پیامدهای هستی‌شناختی مبنای اصالت وجود از جمله مسأله کلی طبیعی، بازنگری در ذات و هویت اشیاء، نظریه مهم حرکت جوهری و تشکیک در وجود مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی مؤید آن است که ملاصدرا در مواضع مذکور، دو نگرش کاملاً متفاوت داشته و نگرش نهایی وی در این خصوص متلائم با نگرش خاص وی در مبنای اصالت وجود (رویکرد خاص) است.

واژگان کلیدی: اصالت وجود، ماهیت، رویکرد عام، رویکرد خاص.

❖ تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۴

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، Mnejati1361@yahoo.com.

مقدمه

زیربنای فلسفه ملاصدرا مبنای اصالت وجود است. حکمت متعالیه به جهت مبنای اصالت وجود دارای نظام و انسجام می‌شود. به گونه‌ای که اکثر آراء فلسفی وی در حوزه‌های مختلف، کاملاً متلائم و متناسب با اصالت وجود صدرایی است. اما واکاوی برخی مواضع و آرای ملاصدرا نشان می‌دهد ظاهراً وی در قبال برخی مسائل دو رویکرد کاملاً متفاوت و حتی در ظاهر ناسازگار دارد. این مسأله باعث شده تا برخی پندار ناسازگاری و عدم انسجام نظام صدرایی را در ذهن پیروانند. تتبع نگارنده نشان می‌دهد بخشی از آراء ظاهراً متعارض ملاصدرا همچون نظریه حرکت جوهری و کلی طبیعی مرتبط با حوزه وجود شناسی است و بخشی دیگر همچون مسأله مطابقت و حقیقت علم در حوزه معرفت شناسی بروز یافته است. فرضیه کلی مطالعه حاضر این است که تفاوت و تعارض ظاهری رویکردهای ملاصدرا در مواضع مذکور نه تنها ملهم ناسازگاری و عدم انسجام نظام صدرایی نیست؛ بلکه مؤید تلائم و در هم تنیدگی مسائل مطروحه در نظام فکری ملاصدرا با مبنای اصالت وجود است. استدلال کلی نگارنده در جهت تبیین فرضیه مذکور به تفکیک دو معنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت ذیل دو عنوان رویکرد عام و رویکرد خاص نزد ملاصدرا بازگشت می‌کند. صدرالمآلهین به جهت وضع تفکیک بین دو معنای مبنای اصالت وجود، در برخی مواضع و آراء خویش واجد دو رویکرد متفاوت می‌گردد که البته رأی نهایی وی در این مسائل، متلائم با رویکرد خاص است. بر این اساس در ادامه مقاله به واسطه تفکیک معانی اصالت وجود نزد ملاصدرا، به تبیین برخی آراء وجود شناختی وی پرداخته خواهد شد.

۱. مبنای اصالت وجود

ملاصدرا با طرح انقلابی وجودشناسانه، بر خلاف سایر فلاسفه پیش از خود به تأصل حقیقت وجود در عالم خارج معتقد شد. از دیدگاه وی موجودیت موجودات در خارج

به معنای ذومصدق بودن آنها نیست^۱؛ بلکه به معنای عینیت مصداق با حقیقت وجود است^۲ (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۷). مبنای اصالت وجود بدین معناست که در تمام قضایای وجودی (کان تامه) و قضایای غیر وجودی (کان ناقصه) امر واقعی و عینی منشأ تأثیر، مابازاء مفهوم هستی موضوع است. بدین بیان که بر اساس اصالت وجود، در قضایای «زید موجود است» یا «زید عالم است» مابازاء تصور هستی زید منشأ تأثیر بوده و اصیل است.

ملاصدرا با وجود تأکید بر مبنای اصالت وجود، نگرش واحدی در قبال اعتباریت ماهیت ندارد. وی در برخی مواضع مؤیداتی را ذکر می‌کند که گواه اعتقادش به تحقق عرضی و تبعی ماهیت در خارج است و در برخی مواضع دیگر مؤیداتی را ذکر می‌کند که مستلزم انتزاعیت محض ماهیت و سلب هر گونه تحقق خارجی از آن است. اما با این وجود، این مسأله باعث ناسازگاری در نظام صدرایی نمی‌شود؛ زیرا به جهت رابطه طولی دو معنای اصالت وجود، هر دو دیدگاه ظاهراً ناسازگار صدرا متلائم با دیدگاه وی در باب اصالت وجود بوده و ملاصدرا خود به آن تظن داشته و آگاهانه از آن سخن می‌گوید. نگارنده بر این اساس، دو نگرش متفاوت ملاصدرا در مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت را ذیل دو رویکرد عام و خاص تفکیک و تقدیم می‌دارد^۳.

۱- این مطلب از آن جهت است که احتمالاً بتوان گونه‌ای دیگری از اصالت وجود را که مبتنی بر ذومصدق بودن است در نظر گرفت. بدین بیان که از بین مفهوم وجود و ماهیت هر کدام که در عالم خارج دارای مصداق باشند، اصیل بوده و مفهوم فاقد مصداق، اعتباری است. در مواجهه با این سؤال، پاسخ ملاصدرا مفهوم وجود بوده؛ پس مفهوم وجود اصالت دارد. اما باید دانست که منظور از اصالت وجود در مقاله حاضر منشأ اثر بودن و عینیت مصداق با حقیقت وجود است و نه ذومصدق بودن مفاهیم (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۹).

۲- برای اطلاع بیشتر در این باره رک: نجاتی و بهشتی، ۱۳۹۱: ۱۴۰.

۳- لازم به تذکر است که تفکیک دو گانه اصالت وجود به جهت دو نگرش متفاوت ملاصدرا به تحقق ماهیت بشرط شیء، از دیدگاه برخی معاصران نیز مورد بررسی قرار گرفته شده است. در این رویکرد از بین دو معنای اصالت وجود، معنای اول که مستلزم نفی تحقق خارجی ماهیت است متلائم با وحدت شخصیه وجود، نفی هر گونه کثرت خارجی و انحصار تحقق در واجب تعالی لحاظ شده و معنای دوم که مستلزم تحقق تبعی ماهیت است، متلائم

۱-۱. رویکرد عام

بر اساس ملاک اعتباریت ماهیت، در رویکرد عام صدرا، اصالت به معنای تحقق بالذات در عالم خارج استعمال شده و اعتباریت نیز به معنای تحقق بالتبع یا بالعرض در عالم خارج است؛ در نتیجه رویکرد عام را می توان ذیل دو گزاره زیر ارائه نمود:

۱- اصالت وجود در این نگرش به معنای تحقق بالذات حقیقت وجود در عالم خارج است.

۲- اعتباریت ماهیت در این نگرش به معنای نفی تحقق بالذات و در نتیجه تحقق بالعرض و تبعی ماهیت در عالم خارج از ذهن است.

در بررسی این موضع باید گفت از نظر صدرا افزون بر تحقق بالذات وجود در عالم خارج از ذهن، ماهیت نیز بالتبع یا بالعرض به واسطه وجود تحقق یافته است. از منظر نگرش عام، جهان خارج، معجونی از وجود و ماهیت است که هر دو مؤلفه منشأ اثر هستند با این تفاوت که وجود منشأ تأثیر بالذات است و ماهیت بالعرض و بالتبع^۱. در حقیقت مبنای اساسی ملاصدرا در رویکرد عام، تأکیدی است که وی در برخی مواضع به اتحاد وجود و ماهیت در عالم واقع دارد و این اتحاد ظاهراً از ادعان ایشان به وجود تبعی

با تشکیک و تکرر در وجودهای خارجی خواهد بود. جهت اطلاع بیشتر رک: عرفانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱؛ عرفانی، ۱۳۹۴:

۱ - البته لازم به تذکر است که ملاصدرا فرض اصالت وجود و ماهیت را مردود می داند و بالعرض بودن ماهیت در عالم خارج را عین وجود و نه امری متفاوت از آن لحاظ می کند ولی به هر روی وجود تبعی آن را می پذیرد (ملاصدرا، ۱: ۱۳۸۰/۶۶؛ ۱۳۸۲: ۱۲). برخی مواضع دیگری که مؤید این مینا هستند از قبیل: «وجود ممکن به نحو بالذات تحقق دارد و ماهیت به نحو بالعرض به عین وجود تحقق یافته است» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۵۴). «مرتب وجود در عالم خارج متقدم بر ماهیت است و در ذهن متأخر از آن است» (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۵). «معنای تحقق به نفسه وجود این است که وجود در اقسام تحقق خود به وجود دیگری نیاز ندارد؛ بر خلاف ماهیت که بعد از اتصافش به وجود تحقق می یابد» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۴۰/۱). «آنچه در عالم خارج تحقق دارد وجود معلول است و ماهیت فقط به نحو بالعرض تحقق دارد» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۷۱). در تمام موارد فوق بیان ملاصدرا به گونه ای است که ماهیت می تواند در عالم خارج تحقق یابد؛ اما تحقق آن به تبع و بالعرض وجود خواهد بود.

ماهیت در خارج از ذهن حکایت دارد!

۱-۲. رویکرد خاص

صدرالمتألهین در رویکرد خاص با تأکید بر وحدت خارجی وجود و ماهیت، یگانه امر موجود و متأصل در خارج را حقیقت وجود می‌داند که واجد ویژگی تشکیک در مراتب است. وی بر خلاف رویکرد عام خویش، اعتباریت ماهیت را به معنای ذهنی بودن آن می‌داند و نه به معنای تحقق تبعی. ملاصدرا در نگرش خاص، ماهیت را مؤلفه‌ای صرفاً ذهنی می‌داند که به لحاظ خارج، هلاکت محض بوده و نمی‌تواند به وجود خارجی اتصاف یابد^۲ (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۴؛ ۱/۱۳۸۰: ۴۷-۴۸؛ ۱۳۶۳: ۱۰-۱۱-۳۸-۳۹).

وی بر خلاف نگرش مبتنی بر اتحاد، در این موضع ارتباط وجود و ماهیت را وحدت صرف دانسته که در لحاظ ذهنی، این ارتباط به اتحاد و گونه‌ای بسیار خفی از اتصاف

۱- بیان وی در اسفار در این باب چنین است «فقد علم مما ذكره و مما ذكرنا ان الماهیه متحده مع الوجود فی الواقع نوعاً من الاتحاد» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱/۶۶).

۲- غیر از دیدگاه‌های مختلفی که ملاصدرا در خصوص معانی اصالت وجود دارد، در بین معاصران صدرا و همچنین اختلاف اندیشمند وی در این باره نیز اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف به بیان ساده چنین است: الف- کسانی که ماهیت را امر اصیل خارجی (ملزوم) و وجود را امری تبعی و فرعی در خارج (لازم) دانسته‌اند؛ مانند فیلسوف تقریباً معاصر ملاصدرا، ملارجعلی تبریزی (۱۰۸۰م) است که در مبانی و مسائل مختلفی همچون اصالت وجود، حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول و... به ملاصدرا به مخالفت پرداخت (تبریزی، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۵). ب- کسانی که وجود و ماهیت را در خارج محقق می‌دانند؛ با این تفاوت که تحقق بالذات از آن وجود بوده و ماهیت تحقق تبعی دارد. بزرگانی همچون علامه طباطبائی و غلامرضا فیاضی به این معنا اعتقاد دارند (طباطبائی، ۱۳۸۸/۱۳۶: ۱۳۸۴؛ فیاضی، ۱۳۸۴: ۲۷۵ به نقل از عرفانی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). ج- کسانی که صرفاً وجود را امر اصیل خارجی می‌دانند و ماهیت را امری اعتباری می‌دانند بدین معنا که ماهیت حد و خیال وجود است و هیچ موجودیت خارجی‌ای ندارد. بزرگانی همچون عبدالله جوادی آملی، محمد تقی مصباح یزدی، جلال‌الدین آشتیانی و... به این معنا اعتقاد دارند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱/۳۳۹؛ مصباح، ۱۳۷۸: ۸۳؛ آشتیانی، ۱۳۸۲: ۸۴؛ حائری یزدی، ۱۳۸۰: ۷۰). به زعم نگارندگان در بحث‌های مربوط به اصالت وجود و لوازم و پیامدهای آن می‌بایست به اشتراک معنایی انواع محتمل آن و تفتن ملاصدرا به دو معنای مورد نظر و امکان اجتماع آنها ذیل دو رویکرد عام و خاص معتقد بود. زیرا اعتقاد به اشتراک لفظی، دوگانگی یا احیاناً چندگانگی معانی اصالت وجود می‌تواند ملهم وجود ناسازگاری و وجود تشویش در نظام فلسفی حکمت متعالیه گردد؛ چنانکه برخی محققان چنین تفسیری را ارائه کرده‌اند (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۱: ۴۸-۵۲).

سوق می یابد (ملاصدرا، الشواهد الربوبیه، ص ۱۲). از نظر صدرا اذعان به ترکیب خارجی وجود و ماهیت و یا لحاظ هر گونه وجود تبعی و بالعرض برای ماهیت، مستلزم ترکیب وجود و لیس بالوجود خواهد بود که آشکارا به اجتماع نقیضین می انجامد. ملاصدرا ذیل بحث بسیط الحقیقه بودن واجب تعالی با تأکید بر بساطت خارجی حقیقت وجود و همچنین وضع تفکیک بین اجزاء بالقوه ذهنی و اجزاء خارجی، تحقق هر گونه اجزاء خارجی را باعث انعدام موجود دانسته و هر گونه ترکیب احتمالی را به حوزه ذهن انتقال می دهد (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۹۱/۱-۹۲).

۲. پیامدهای هستی شناختی

چنان که گفته شد حکمت صدرایی بر اساس ملاک انتزاعیت ماهیت واجد دو رویکرد عام و خاص در قبال مبنای اصالت وجود می گردد. فلسفه ملاصدرا به جهت انسجام و نظام مندی ای که دارد به گونه ای است که مبانی و مسائل مطروحه آن با یکدیگر در هم تنیدگی داشته و مبنای اصالت وجود را می توان به عنوان مهمترین اصل در این حوزه دانست که غالب مسائل و کیفیت طرح آنها در حکمت متعالیه کاملاً متناسب و متلائم با مبنای اصالت وجود عرضه می گردند. با این توضیحات کاملاً روشن است که وضع چنین تفکیکی در مبنای اصالت وجود تا چه حد می تواند در نوع نگرش به مسائل فلسفی تعیین کننده باشد. ملاصدرا با وجود اینکه در قبال مسائل و نظریات عمده^۱ فلسفه خویش نگرش واحدی ندارد؛ اما روش و رویکرد وی در این مواضع کاملاً منسجم و نظام مند است. توضیح اینکه صدر المتألهین در نظریات خویش، ابتدا رأی خود را به گونه ای اظهار می دارد که غالباً با رویکرد عام در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج) متلائم است. اما وی غالباً در آثار متأخر خویش بحث را به گونه ای مطرح می کند که با رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود سازگار است. آنچه مشهود است این

۱ - منظور از قید عمدتاً یا غالباً به معنای این نیست که برخی آراء ملاصدرا این ویژگی را نداشته باشند؛ بلکه به معنای تتبع نگارنده در غالب آراء وی است.

که عمدتاً رأی نهایی ملاصدرا در چنین مواضعی مبتنی بر رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود (نفی تحقق خارجی ماهیت) بوده و کاملاً با آن متلائم است.^۱ اهتمام این بخش از مطالعه حاضر در واقع به همین موضوع معطوف گشته است. بدین بیان که برخی از مسائل مهم هستی‌شناختی تفکر صدرا بر اساس تفکیک مذکور و ابتناء آنها بر هر یک از رویکردهای عام و خاص مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و در نهایت رأی نهایی ملاصدرا در هر یک از موارد فوق تبیین خواهد شد.

۲-۱. کلی طبیعی

اولین پیامدی که در این بخش از مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ نحوه وجود کلی طبیعی یا همان ماهیت لابشرط در تفکر صدرایی است. این مسأله با مبنای اصالت وجود و نگرش‌های متفاوت ملاصدرا به اعتباریت ماهیت در هم تنیدگی بسیاری دارد. ارتباط این دو مقوله به گونه‌ای است که می‌توان گفت ملاصدرا متناسب با دو معنای اصالت وجود (تحقق خارجی ماهیت و نفی تحقق خارجی آن) دو نگرش متفاوت به نحوه وجود کلی طبیعی و منشأ انتزاع آن دارد.

ملاصدرا به صورت کلی بر خلاف رأی ابن سینا و اخلاف مشائی وی^۲ ماهیت

۱ - عمدتاً و نه همیشه ملاصدرا در بیان مسائل فلسفه خویش در آثاری همچون اسفار سه مرحله را طی می‌کند: در مرحله اول دیدگاه خویش را به صورت مختصر و تاحدودی در همراهی جمهور فلاسفه بیان می‌کند. در مرحله دوم، بیان مختصر خویش را مستدل و مبرهن می‌سازد. در گام سوم و نهایی رأی مختار خویش را به صورت تفصیلی بازنگاری و تدوین می‌نماید. البته این شیوه در مواضعی است که دیدگاه نهایی وی با فلاسفه پیشین تفاوت چشمگیری ندارد. ملاصدرا در این مواضع به ارائه تفاسیل و فروع بیشتر می‌پردازد. اما در جایی که دیدگاه نهایی وی متفاوت و متعالی از دیگران باشد، در مرحله اول دیدگاه خاص خودش را به صورت اجمالی بیان کرده و در مرحله دوم نظریات دیگران را به چالش کشیده و نقایص آنها را ذکر می‌کند و نهایتاً در گام سوم تبیینی مستدل و منسجم از دیدگاه خود ارائه می‌کند (وفائیان و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۵).

۲ - ابن سینا به جهت اعتقاد به تقرر ماهیت، کلی طبیعی را متقدم از ماهیت مشخص می‌داند. بدین بیان که شیخ از یک سو به تقدم ماهیت بر وجود معتقد است و از سوی دیگر ماهیت را به وجود لاقضا می‌داند و اعتقاد دارد که جعل حقیقی به ماهیات تعلق نمی‌گیرد و تحقق ماهیت در خارج مستلزم افاده وجود از جانب واجب تعالی خواهد

لابشرط را امری متأخر و تابع ماهیت مشخص می‌داند. وی در نگرش اول که مبتنی بر رویکرد عام وی در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در عالم خارج) است، ماهیت مشخص را مقوله‌ای وجودی و خارجی می‌داند از باب اینکه به وجود خارجی آثار، صدق کرده و حقیقتاً به آن متصف می‌گردد^۱. بر این اساس در رویکرد عام ملاصدرا، کلی طبیعی به عنوان مقوله‌ای مطرح می‌شود که از حیث ذاتش نه به وجود و نه به هیچ یک از صفات از جمله وحدت و کثرت متصف نمی‌گردد. بیان وی در این باب چنین است: «المسمى بالکلی الطبیعی و الماهیة لا بشرط لیس لها فی ذاتها من حیث ذاتها وجود و لا وحدة و لا کثرة و لا استمرار و ثبات و لا أيضاً انقطاع و حدوث بل هی فی جمیع هذه الصفات تابعة لأفرادها موجودة بعین وجودها واحدة بوحدتها کثیرة بکثرتها قدیمة بقدمها حادثه بحدوثها» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۷). از نظر صدرا ماهیت لابشرط در تمام این اتصافات تابع افرادش یا همان ماهیت بشرط شیء است که به عین وجود خاص در عالم خارج تحقق دارد. با این تفاسیر رأی ملاصدرا بر اساس رویکرد عام وی در مبنای اصالت وجود موجودیت کلی طبیعی یا همان ماهیت لابشرط به این معناست که افراد و ذواتی در عالم خارج تحقق دارند که این مفهوم قابل حمل بر آنها است^۲.

کلی طبیعی به جهت نحوه وجود و همچنین منشأ انتزاع آن در رویکرد خاص ملاصدرا (انتزاعیت و نفی تحقق خارجی ماهیت؛ وضعیتی متفاوت با رویکرد اول می‌یابد. صدرالمألهین بر اساس مبنای وحدت و یگانگی وجود و ماهیت مشخص در عالم خارج

بود (ابن سینا، ۱۳۶۴، ص. ۲۰۴). از نظر وی ماهیت لابشرط یا کلی طبیعی نسبت به ماهیت مشخص و بشرط شیء همانند جزء است به کل، و اگر کل یعنی ماهیت بشرط شیء در خارج موجود باشد؛ ضرورتاً جزء که کلی طبیعی باشد نیز به طریق اولی در خارج موجود خواهد بود. بیان شیخ در این باب چنین است: «لأنه إذا كان هذا الشخص حیواناً ما موجود، فحیوان ما موجود، فالحیوان الذی هو جزء من حیوان ما موجود» ر.ک. ابن سینا، ب ۱۳۸۶: ۲۰۴.

۱ - بیان ملاصدرا در این باب چنین است: «و إنه موجود فی الخارج بمعنی أنه یرصدق حده علی الأشياء الکثیرة فیه و لایعنی بموجودیة الشیء إلا ذلک» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۳۳/۳).

۲ - بیان صدرا در این باب چنین است: «إن الکلّی الطبیعی غیر موجود بالذات بل الموجود بالذات هو الوجود الخاص» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۲۱۳/۴).

و نفی تحقق خارجی آن، کلی طبیعی یا ماهیت لابشرط را به تبع ماهیت مشخص، امری ذهنی و انتزاعی می‌داند^۱. از نظر وی اصلی‌ترین علت ذهنی بودن کلی طبیعی؛ لحوق قید کلیت بر آن است که هرگونه تحقق خارجی ماهیت لابشرط را نفی کرده و موجودیت آن را به ذهن منحصر می‌نماید (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۲۷۴/۱).

گفته شد که ملاصدرا بر اساس رویکرد عام خویش منشأ انتزاع کلی طبیعی را ماهیت مشخص می‌داند؛ اما وی در رویکرد خاص، منشأ کلی طبیعی را ماهیت مشخص و بشرط شیء نمی‌داند. صدرالمتألهین در این موضع کلی طبیعی را امری منتزاع از عالم خارج و وجود خاص خارجی لحاظ می‌کند^۲. از نظر صدرا هر دو قسم ماهیت یعنی ماهیت بشرط شیء و ماهیت لابشرط از سنخ اموری هستند که توسط ذهن از عالم خارج و وجود خاص خارجی انتزاع می‌شوند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۵۸). ملاصدرا حتی موجودیت ماهیت لابشرط یا کلی طبیعی در ذهن را نیز بالعرض و تابع کیفیت انتزاع نفس می‌داند. به بیان دیگر نفس به واسطه شهود عالم خارج، ماهیت و تصویری مشابه را انتزاع

۱ - اندیشمند معاصر، استاد عبدالرسول عبودیت اما تفسیر متفاوتی از وجود کلی طبیعی ارائه کرده‌اند. از نظر ایشان ملاصدرا از نفی موجودیت خارجی کلی طبیعی یا ماهیت لابشرط، نفی موجودیت خارجی ماهیت مشخص و بشرط شیء را نتیجه گرفته است (عبودیت، ۱۳۸۵: ۹۶). در بررسی این دیدگاه باید گفت: نظام مندی حکمت متعالیه ایجاب می‌کند که مبنای اصالی اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، ملزوم قاطبه مسائل و مواضع مطروحه در این نظام باشد و تمام مسائل متلائم با این مبنا تبیین و به عنوان لوازم آن لحاظ گردند. بر این اساس به نظر می‌رسد؛ همچنان که ملاصدرا صراحتاً کلی طبیعی را تابع افرادش یعنی ماهیت مشخص می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۷)؛ نحوه وجود آن را نیز بر اساس مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت تبیین نماید. مع الوصف همچنان که گذشت؛ صدرالمتألهین در قبال نحوه وجود کلی طبیعی، دو رویکرد متفاوت دارد که البته در هر دو وجود خارجی کلی طبیعی را انکار می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد؛ این انکار در هر دو رویکرد به مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت بازگشت می‌کند و نه بالعکس.

۲ - ملاصدرا کیفیت تحقق کلی طبیعی را چنین بیان می‌کند «أنهم ذهبوا إلى أن الحقيقة الواحدة والمعنى الكلي بصفة الوحدة والكليّة واقعة في الأعيان وهو فاسد نعم المعنى الواحد والمشترك - والكلي والعام والنوع والجنس إلى غير ذلك من اللواحق قد يوجد في الأعيان لكن لا بهذه الإعتبارات حقيقة الإنسان مثلاً من حيث هو إنسان موجودة في الأعيان منصبةً بالوجود لا من حيث نوعيته و اشتراك الكثرة فيه بل من حيث طبيعته و ماهيته» (ر.ک. ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۲۷۴/۱).

می‌نماید که به واسطه وجه خلاقیتش می‌تواند آن را مقارن یا غیر مقارن با فصول و خواص لحاظ نماید.

شاهد این امر کلام وی در کتاب الشواهد الربوبیه است «والکلی الطبیعی علی ما هو التحقیق غیر موجود لا فی الخارج ولا فی العقل إلا بالعرض» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۵۸). به بیان دیگر نفس به واسطه شهود عالم خارج، ماهیت و تصویری مشابه را انتزاع می‌کند و به واسطه وجه خلاقیتش می‌تواند آن را مقارن یا غیر مقارن با فصول و خواص لحاظ نماید و بدین نحو دو قسم ماهیت توسط نفس انتزاع و جعل می‌شود^۱.

۲-۲. بازنگری در ذات و هویت اشیاء خارجی

دومین پیامدی که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نگرش ملاصدرا به ذات و هویت اشیاء و موجودات خارجی است که متلائم با دو معنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در تفکر اوست. مسأله چیستی ذات و هویت موجودات همواره مورد توجه غالب فلاسفه بوده است. ایشان عموماً این مسأله را ذیل مباحث مربوط به ماهیت و لواحق آن و یا تبیین بساطت ذات حق تعالی و... مورد بررسی قرار داده‌اند^۲. صدرا همانند موضع پیشین، دو نگرش کاملاً متفاوت در قبال این مسأله دارد. وی در نگرش اول، بر اساس رویکرد عام در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج)، برخی موجودات را واجد اجزاء خارجی (ماده و صورت) و برخی دیگر را فاقد اجزاء خارجی می‌داند

۱ - در مقاله «تأثیر مسأله اصالت وجود بر سایر مسائل فلسفی» مسأله کلی طبیعی و کیفیت نگرش به آن به عنوان یکی از پیامدهای وجودی مبنای اصالت وجود لحاظ شده است. اما در خصوص این مسأله دو بحث عمده قابل طرح است: اول اینکه نویسنده محترم مقاله مسأله کلی طبیعی را به عنوان یکی از مسائل متأثر از مبنای اصالت وجود لحاظ نموده است در حالی که در همان بحث عنوان می‌کند که نحوه نگرش به وجود کلی طبیعی استلزامی با مبنای اصالت وجود نداشته و متأثر از آن نیست (کوچنایی، ۱۳۹۳: ۲۶۵). بحث دیگر این است که برخلاف مدعای نویسنده محترم آنچنان که توضیح داده شد؛ مبنای اصالت وجود صدرایی و تحقق خارجی کلی طبیعی قابل جمع نبوده و ملاصدرا خود به این ناسازگاری توجه داشته و به ذهنی بودن کلی طبیعی معتقد شده است. برای اطلاع بیشتر در این باب رک: کوچنایی، ۱۳۹۳: ۲۶۳. ایضا: نجاتی، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۴۸.

۲ - برای تفصیل مطلب رک: بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۱۸.

(ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۸/۲-۳۱)^۱. صدرا با نقل عبارات شیخ در الهیات شفا، بین اجزاء ذاتی و عرضی در خارج تمایز قائل شده و عوارض را لوازم و علامات تشخیص خارجی موجودات دارای اجزاء می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۹/۲). یا اینکه صدرا با ذکر رویکرد ابن سینا در مسأله جنس، فصل، ماده، صورت و نوع، سعی نموده تا اشکالات فخر رازی و شیخ اشراق به تحلیل شیخ را پاسخ دهد (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۶/۲-۱۸). کاملاً روشن است که اتصاف وجود به مفاهیمی چون جنس، ماده، صورت، اجزاء ذاتی و عرضی و مفاهیمی از این دست به صورت ذاتی نیست؛ بلکه وجود به واسطه اتحاد با ماهیت است که بدین مفاهیم متصف می‌شود. در نتیجه اذعان ملاصدرا به تحقق خارجی چنین مقولاتی جز با رویکرد عام در مبنای اصالت وجود یا همان تحقق تبعی ماهیت در خارج تبیین نخواهد شد. به عبارت دیگر صدرالمতألهین به جهت اینکه در رویکرد عامش به تحقق تبعی ماهیت در عالم خارج معتقد است، در خصوص ترکیب یا عدم ترکیب خارجی موجودات سخن می‌راند.

ملاصدرا بر اساس رویکرد خاص در مبنای اصالت وجود (نفی تحقق خارجی ماهیت) ذات و هویت خارجی موجودات و کیفیت اتصاف آنها به اجزاء ذاتی و عرضی را مورد بازنگری قرار می‌دهد.

صدرالمتألهین در گام اول، ماده و قابلیت، به عنوان یکی از مهمترین اجزاء و لواحق موجودات مادی و مرکب را به گونه‌ای متفاوت از سایر فلاسفه^۲ مسلمان مطرح می‌نماید.

۱ - بیان ملاصدرا در باب تفکیک و اقتران ماده و صورت در اشیاء واجد ترکیب چنین است «إن المادة فی کل شیء أمر مهم لا تحصل له أصلاً إلا باعتبار كونه قوه شیء ما و الصورة أمر محصل بالفعل به بصیر الشیء شیان...» (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۳۱/۱).

۲ - بحث از حقیقت ماده و صورت بر خلاف فلسفه ارسطویی و یونانی که بحثی طبیعی بود؛ در حوزه فلسفه اسلامی مخصوصاً حکمت سینوی، ماهیتی متافیزیکی پیدا کرد. زیرا بر خلاف حکمت یونانی مشائی، صرف ترکیب ماده و صورت جسم را نمی‌سازد؛ بلکه جسمیت جسم علاوه بر ترکیب دو گانه‌های مذکور، مستلزم افراط صورت نوعیه از جانب عقل فعال است. ابن سینا و اخلاف مشایی وی ترکیب ماده و صورت را یک ترکیب انضمامی می‌دانند؛ اما تأکید می‌کنند که ماده با وجود فعلیتی که داراست؛ بدون لحاظ صورت نمی‌تواند عینیت خارجی یابد (ابن سینا،

صدرا حقیقت ماده و قابلیت در موجودات مادی را عبارت از بودن و کونیت شیء در جهت پذیرش و قبول می‌داند. وی در تکمیل رویکرد خویش، با وضع تفکیک بین ماده و امکان استعدادی، ماده و هیولی را امری کاملاً متفاوت از امکان استعدادی لحاظ می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۰۴)^۱. ملاصدرا معتقد است ماده بر خلاف امکان استعدادی مقوله‌ای ذهنی و معقول از سنخ معقول اولی یا معقول ثانوی نیست؛ بلکه ماده و قابلیت بر اساس مبنای اصالت وجود، در عینیت با حقیقت وجود و خارجیت قرار دارد و به جهت تحقق آن در مرتبه خاصی از وجود، تمامی صور را در خود می‌پذیرد^۲.

ملاصدرا در گام دوم، صورت را نیز مورد بازنگری قرار می‌دهد. وی به جهت انکار تحقق هرگونه تحقق خارجی ماهیت، صورت نوعیه اخیر را که در بردارنده تمام حقیقت یک شیء است، مساوق و مصادق وجود خاص خارجی لحاظ می‌کند. صدرالمتهلین در حکمت مشرقی عینیت صورت و وجود را چنین معرفی می‌کند: «سخن حق این است که صورت هر موجود بسیط، وجود آن است و وجود هر موجود مرکبی همان صورتش در خارج است» (ملاصدرا، الشواهد الربوبیه، ص ۱۶۱). آنچه‌آن که مشاهده شد ملاصدرا بر اساس رویکرد خاص خویش در مبنای اصالت وجود یا همان نفی وجود خارجی ماهیت و طرح وحدت آن با حقیقت وجود، وجود خارجی ماده و صورت را در عینیت با وجود

۱۳۷۶: ۷۲ و ۲۴۷). حکمت سه‌روردی اما با نفی ترکیب انضمامی جسم و تاکید بر اتصال صرف اجسام، هرگونه تحقق خارجی ماده و صورت خاص را انکار می‌کند؛ البته این مسأله را نباید به معنای نفی ماده در معنای عام و کلی آن لحاظ کرد (سه‌روردی، ۱۳۸۰: ۷۵/۲). بر این اساس می‌توان سیر تفکر ملاصدرا در باب ماده و صورت و ترکیب آنها را از نفی ترکیب انضمامی به ترکیب اتحادی و نهایتاً از ترکیب اتحادی ماده و صورت به وحدت خارجی این دوگانه‌ها و اتحاد ذهنی آنها مشخص کرد.

۱ - از نظر صدرا، مراد از امکان استعدادی حیثیتی است که از بودن شیء در جهت پذیرش و قبول حاصل می‌شود. از این جهت، امکان استعدادی معقول ثانی فلسفی خواهد بود که عروزی ذهنی و اتصافی خارجی دارد. برای اطلاع بیشتر رک: مطهری، ۱۳۸۳: ۲۸۱/۱۰.

۲ - بیان ملاصدرا در این باب چنین است: «انَّ الْأَمْكَانَ - أَيْ الْأَسْتِعْدَادَ الْمَذْكَورَ فِي التَّعْرِيفِ الْهَيْوَلِيِّ أُنْهَاهُ جَوْهَرٌ مُسْتَعَدٌّ - لَيْسَ الْمَرَادُ مِنْهُ نَفْسُ الْإِضَافَةِ... بَلِ الْمَرَادُ مِنْهُ مَنْشَأُ هَذِهِ الْإِضَافَةِ وَ هُوَ كَوْنُ الشَّيْءِ بِحَيْثُ يَكُونُ لَهُ إِمْكَانٌ قَبُولِ الْأَشْيَاءِ» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

دانست و به وحدت و فاردیت خارجی آنها معتقد شد.

وی در بخش دوم بازنگری، به سراغ ترکیب این دو گانه‌ها می‌رود و بر این اساس، ترکیب احتمالی موجودات از ماده و صورت را محصول جنبه فعال و خلاق نفس در انتزاع از فرایند اشتداد وجودی می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۳). ملاصدرا معتقد است نفس به واسطه شاخصه خلاقیت، در حین شهود اشتداد وجود خاص در عالم خارج، به لحاظ کمال و فعلیت، جزء صورت را و به لحاظ وجدان قابلیت و قوه قبول، ماده را انتزاع می‌کند و سهواً حکم به وجود ترکیب و اتحاد بین آن دو در عالم خارج می‌نماید؛ در حالی که در حقیقت تحقق این ترکیب مربوط به عالم ذهن بوده و وحدت، فردیت و عینیت با وجود، حکم حقیقی خارجی آنها است (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۱۲)^۱. صدرالمآلهین در تکمله رویکرد خویش با وضع تفکیک بین وجود واحد خارجی ماده و صور جوهری و ترکیب انتزاعی این دو مؤلفه در ذهن، معتقد می‌گردد که اتصاف صور جوهری به جوهریت نزد مشائون و یا عرضیت نزد اشراقیون نمی‌تواند ذاتی باشد؛ بلکه مؤلفه‌های مذکور به لحاظ خارجیت (به جهت عینیت ماده و صورت با حقیقت وجود) نه به جوهریت و عرضیت و نه به هیچ یک از احکام ماهیت متصف نمی‌شوند؛ اما به جهت اتحاد با فصول جوهری در لحاظ ذهنی بالعرض به لواحق مذکور متصف می‌شوند. از نظر صدرا جوهریت و عرضیت مأخوذ در تعریف صورت، به جهت اضطرار و اخذ لوازم در تعریف اشیاء بسیط است و به دلیل اتحاد آنها در ذهن با فصول جوهری بر صور محمول می‌گردد. بیان وی در این باب چنین است: «إن الصور الجوهریه التی هی مبادیء الفصول الجوهریه ظهر الآن من حالها إنها فی ذواتها لیست بجواهر کما اشتهر فی المشائین و لا بأعراض کما زعمه أتباع الرواقیین و صاحب الإشراق و ذلك لاتحادها مع الفصول الجوهریه و...» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱).

ملاصدرا در ادامه نحوه وجود فصول و کیفیت اتصاف آنها به جوهریت را نیز مورد

۱ - به نظر می‌رسد ملاصدرا بنا بر مشرب قوم، بحث اتحاد ماده و صورت را مطرح کرده است و گرنه بنا بر مشرب فلسفی خاصش می‌بایست به وحدت خارجی آنها معتقد باشد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۳).

بازنگری قرار می دهد. وی همانند ماده و صورت با لحاظ عینیت فصول با وجود خارجی و تأکید بر فاردیت و وحدت وجود در خارج، حقیقت فصول را چیزی غیر از وجود خاص نمی داند؛ زیرا بر اساس مبنای اصالت وجود، هیچ غیر وجودی نمی تواند افاده تشخیص و وجود نماید (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۳). صدرا اتصاف فصول به جوهریت را ذاتی نمی داند. از نظر وی جوهریت فصول به حسب ذاتشان نیست؛ بلکه اتصاف آنها به جوهریت به جهت جوهریت اجناسشان است (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۰). ملاصدرا در گام آخر جنس به عنوان جزء ذاتی عام و همچنین عرضی عام و خاص را نیز محصول انتزاع نفس از فرایند احساس و مشاهده موجود خارجی و در نتیجه ذهنی محض می داند.^۱

۲-۳. حرکت جوهری

سومین مسأله‌ای که در این موضع به بررسی آن پرداخته می شود؛ نظریه بسیار مهم حرکت جوهری است. ملاصدرا همچون مسأله پیشین، دو نگرش متفاوت نسبت به این نظریه دارد که البته متلائم با دو معنای اصالت وجود در تفکر اوست. صدرالمتألهین بر اساس رویکرد عام خود در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت) حرکت جوهری را عبارت می داند از این که در عالم خارج جوهری تحقق دارد که دارای حرکت و اشتداد است. و از آنجا که اتصاف به اوصافی چون جوهریت و عرضیت متعلق به ماهیت است و نه وجود؛ در نتیجه می توان گفت در خارج از ذهن ماهیت جوهری‌ای تحقق دارد^۲ که به تبع حرکت و اشتداد در حاق وجود، دارای حرکت و اشتداد می گردد؛ زیرا که این دو

۱ - ملاصدرا در تکمیل این رویکرد معتقد است نفی اتصاف ذاتی فصول به جوهریت، مستلزم اتصاف آنها به عرضیت نمی شود؛ آنچنان که شیخ اشراق در مطارحات عنوان کرده است (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

۲ - بیان ملاصدرا چنین است: «فالموجود، من کل شیء فی الخارج هو نفس الوجود له، لکن العقل یتنزع بوسیله الحس أو المشاهده من نفس ذاته مفهومات کلیه عامه أو خاصه و من عارضه أيضاً کذالك، فیحکم علیها بمفهومات ذاتیه جنسیه و فصلیه أو عرضیه عامه و خاصه» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

۳ - لازم به تذکر است که مقصود ملاصدرا از جوهر در بحث حرکت جوهری در رویکرد عام مبنای اصالت وجود، به معنای حرکت در جوهر (ماهیت) نیست؛ بلکه مراد ذات شی است و بر اساس مبنای اصالت وجود جوهریت، مرتبه‌ای از وجود شیء خواهد بود.

در عالم خارج با یکدیگر اتحاد دارند (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۹۸). بر این اساس ملاحظه می‌شود که این نوع تبیین از نظریه حرکت جوهری مستلزم تحقق تبعی ماهیت جوهری به تبع وجود خواهد بود که متلائم با رویکرد عام وی در مبنای اصالت وجود است. همچنین هنگامی که به دلایل مشهور صدرالمآلهین در اثبات نظریه حرکت جوهری نگاه شود، تحقق ماهیت در عالم خارج نمود بیشتر و واضح‌تری خواهد یافت. ملاصدرا در دلیل اول وجود عرض را وجودی لغیره برای جوهر می‌داند. وی از این امر نتیجه می‌گیرد که چون وجود عرض که تابع است متغیر بوده، پس وجود جوهر که متبوع است به طریق اولی متغیر خواهد بود (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۱۳/۳). طبیعی است که پذیرش وجود خارجی برای عرض و جوهر از دیدگاه صدرالمآلهین مستلزم تحقق ماهیت در عالم خارج خواهد بود. همچنین ملاصدرا در برهان دوم خود بر حرکت جوهری، معتقد است بدون شک حرکت و تغییر تحول در اعراض وجود دارد. از طرفی علت اعراض متغیر طبیعت و صورت نوعیه است. از آنجایی که علت امر متغیر خود نیز متغیر خواهد بود، در نتیجه حرکت و تغییر در طبیعت و صورت نوعیه نیز به طریق اولی وجود دارد (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

ملاصدرا در نگرش دوم خود که هم دیدگاه نهایی وی در قبال نظریه حرکت جوهری است و هم متلائم با معنای دوم مبنای اصالت وجود (نفی تحقق ماهیت در خارج) است؛ حقیقت اشتداد و حرکت در جوهر موجودات را به گونه‌ای متفاوت مطرح می‌کند.

صدرالمآلهین در جهت ارائه تبیینی سازگار با مبانی مذکور، مؤلفه‌های اصلی حرکت جوهری از قبیل ماده، صورت و اتصاف آنها به جوهریت و عرضیت را مورد بازنگری قرار می‌دهد. وی همچنان که در قسمت قبل گذشت، ماده و قابلیت را در جرگه امور مفهومی و ماهوی‌ای قرار می‌دهد که نفس به واسطه شهود جنبه بالقوه‌گی و قابلیت در فرایند اشتداد آن را انتزاع می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۱۲). همچنین ملاصدرا، همسان ماده، صورت را محصول عدم انفعال و خلاقیت نفس دانسته و با وضع تفکیک بین ذهن و عین، معتقد است نفس به جهت جنبه فعال و پویای خویش، صورت را از

جنبه فعلیت و کمال موجودات در فرایند حرکت اشتدادی انتزاع می‌نماید. ملاصدرا در گام بعدی به وحدت وجودی دوگانه‌های ماده و صورت در عالم خارج گرایش می‌یابد.^۱ از نظر وی پذیرش صور از جانب ماده بر منوال اتحاد نیست؛ بلکه این دو به لحاظ خارجی واحد بوده و اساساً انفکاکشان محال است. ملاصدرا در تبیین خود از نظریه حرکت جوهری بر اساس رویکرد خاصش در مبنای اصالت وجود و نفی هرگونه تحقق خارجی ماهیت، اعراض، طبیعت و جواهر را لوازم صورت نوعیه می‌داند که همگی با یک جعل بسیط ایجاد می‌شوند و با یک وجود موجودند. از نظر او اقسام حرکات عرضی و جوهری در حقیقت، فرایندی اشتدادی از سنخ وجود و واقعیت است که به جهت شاخصه خلاقیت و پویایی نفس می‌تواند هم مصداق جوهر و هم مصداق عرض واقع شود. صدرالمآلهین در نهایت حقیقت حرکت را واقعیتی تدریجی و سیال می‌داند که به جهت اعتبارات گوناگون، نفس از آن اقسام صور نوعیه، فصول، اجناس و حرکات عرضی و جوهری را انتزاع می‌نماید (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۱۲/۳). بر این اساس در حوزه تفکر صدرایی به واسطه این تفکیک، حرکت به دو مقوله اشتداد وجودی و فهم و انتزاع اشتداد جوهری توسط نفس انقسام می‌یابد. اشتداد وجودی از دیدگاه صدرا عبارت است از:

تحقق یک موجود سیال از مقوله جوهر، که در عالم خارج واجد مصداق می‌گردد؛ نه این که موجود خارجی فردی از آن مقوله باشد (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۱۲). با این توضیح لوازم و مؤلفه‌های ماهوی‌ای همچون ماده، صورت، جسم و اتصاف این امور به جوهریت و عرضیت از حوزه اشتداد وجودی خارج می‌شوند. بر این اساس موجودات به واسطه بقای وحدت تشکیکی حقیقت وجود در مراتب و عینیت آن با هویت شخصی موجود واجد حرکت، بر وجه صعودی در مراتب وجودی اشتداد یافته و کمالات لائقه وجودی را تحصیل می‌کنند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۱۲-۲۱۳؛ ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۸۰).

۱ - آیت الله حائری یزدی در این باره معتقدند: گرایش به وحدت وجود در باب رابطه ماده، صورت، جسم و نفس معقول و مطلوب خواهد بود. بدین معنا که جسم و نفس یک وجود بیشتر ندارند و فقط در تحلیل‌های بسیار عمیق عقلی از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ ر-ک: حائری یزدی، ۱۳۸۰: ۱۳۹.

همچنین اشتداد جوهری عبارت خواهد بود از:

مشاهده فرایند اشتداد وجودی موجودات در مراتب وجودی توسط نفس و انتزاع و استنباط وجود حرکت و اشتداد در جوهر و ذات موجودات واجد تشکیک. بر این اساس نفس به واسطه شهود اشتداد در مراتب وجود، صور جوهریه‌ای را انتزاع می‌کند که در هر آنی از آنات بر ماده قابل خویش توارد می‌نماید. ماده قابل نیز، تمامی صور جوهریه منتزاع را به نحو لبس بعد لبس می‌پذیرد. ملاصدرا امر ثابت در فرایند اشتداد جوهری را وحدت حقیقت نوعی جوهری منتزاع می‌داند. بدین معنا که اگرچه اتصاف اشتداد در فردی از افراد جوهر است؛ اما نوعی از جوهریت در آن باقی می‌ماند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

۲-۴. تشکیک در وجود

آخرین پیامدی که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ نظریه تشکیک در وجود و دیدگاه‌های ملاصدرا در قبال آن است. در بدو امر لازم به ذکر است که صدرا در مسأله تشکیک همسان مواضع پیشین دارای دو نگرش متفاوت است که این دو نگرش متناسب با دو رویکرد وی در مبنای اصالت وجود است. همچنین مانند مواضع پیشین نگرش نهایی ملاصدرا در مسأله تشکیک متلائم با رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود است.

صدرالمতألّهین در نگرش ابتدائی خویش و متناسب با رویکرد عام در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت) در برخی مواضع کتاب الأسفار الأربعة و شرح الهدایه، تشکیک را علاوه بر حقیقت وجود در ماهیت نیز تسری می‌دهد^۲ و این امر بدهتاً مستلزم

۱ - برای اطلاع بیشتر در این باب رک: نجاتی، محمد، ۱۳۹۱: ۵۷-۶۸.

۲ - البته تسری تشکیک به ماهیت به جهت اتحاد وجود با ماهیت است؛ نه آنکه ماهیت به تبع وجود، خود نیز مشکک باشد. اساساً به صورت کلی در مورد پیامدهای چهارگانه باید گفت در همه مواضع مذکور که نگارندگان آن را متلائم با تحقق تبعی ماهیت لحاظ کرده‌اند؛ نمی‌توان ردپایی از اصالت و تحقق استقلالی ماهیت یافت؛ بلکه در این موارد ماهیت حد وجود است که به جهت اتحاد با وجود واجد برخی احکام و آثار آن می‌شود.

تحقق تبعی ماهیت در خارج است (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۵۱۰/۱-۵۱۲؛ ملاصدرا، ۱۳۱۳: ۳۰۴-۳۰۵). توضیح اینکه تشکیک در ماهیت بدین معناست که حمل ماهیت بر مصادیق آن به صورت تساوی نبوده و همراه با تفاوت و تغایر باشد و اتصاف ماهیت به وصف تشکیک، زمانی معنا می‌یابد که برای ماهیت وجود و واقعیت خارجی در نظر گرفته شود (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۵۷/۱).

اما نگرش ملاصدرا به مقوله تشکیک به این رویکرد منحصر نمی‌شود. شاهد روشن این امر، کلام خود ملاصدرا در کتاب الشواهد الربوبیه است که صراحتاً اذعان می‌کند در قبال مسأله تشکیک، دو رویکرد متفاوت داشته و در رویکرد ابتدائی تشکیک را در ماهیت تسری می‌دهد؛ اما در رویکرد نهایی خویش بروز تشکیک در ماهیت را نفی می‌کند. بیان صدرا در این باب چنین است: «و اما تفصیل مباحث التشکیک مستقصی، فقد أوردناه فی الأسفار، و رجحنا هناك القول بالأشديه بحسب الماهیه و المعنی، و ههنا نقول هذا التفاوت كالتفاوت بالأقدمیه يرجع الی أنحاء الوجودات، فلولوجود اطوار مختلفه فی نفسه و المعانی تابعه لأطواره» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

با کمی دقت روشن است که نفی تشکیک در ماهیت و انحصار آن در وجود که در واقع رویکرد نهایی ملاصدرا در قبال مسأله تشکیک بوده؛ کاملاً متلائم و متناسب با رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود و مستلزم نفی هر گونه تحقق خارجی برای ماهیت خواهد بود. در حقیقت ملاصدرا در رویکرد نهایی خویش با نفی هر گونه تشکیک در ماهیت یا هر گونه مفاهیم و معانی، حقیقت تشکیک را در وجود منحصر می‌کند^۱ (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۶).

۱ - مسأله مهمی که در خصوص بحث تشکیک در وجود تذکرش ضرورت دارد این است که ملاصدرا در رویکرد نهایی خویش به تشکیک در ظهور معتقد شده و مانع حرکت در موجودات را سلب تحصیلی حد و نقص از وجود می‌داند. از دیدگاه وی اگر موجود (واجب تعالی) فرای تشکیک و مراتب وجودی باشد؛ فاقد شاخصه اشتداد پذیری خواهد بود (ملاصدرا، ۱۴۲۹: ۶۹/۱). علامه طباطبائی در تکمله رویکرد ملاصدرا، معتقد به تشکیک در وجود است و مانع حرکت موجودات را ایجاب عدولی نقص و حد از وجود دانسته‌اند. از نظر علامه واجب تعالی

نتیجه‌گیری

مطالعه پیشرو در بردارنده دو بخش کلی است. در بخش اول به واسطه مؤیداتی که ملاصدرا در تبیین مبنای اصالت وجود ارائه کرده؛ دو معنا برای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت‌شناسایی و مطرح گردید. معنای اول که در این مقاله رویکرد عام نامیده شد؛ منطبق با تحقق ماهیت در خارج به تبع وجود بود و معنای دوم که رویکرد خاص نام گرفت؛ منطبق با نفی هرگونه تحقق خارجی ماهیت لحاظ گردید. در بخش دوم مقاله پیامدهای چنین تفکیکی نزد صدرا در نحوه طرح برخی مسائل وجود‌شناختی از جمله مسأله کلی طبیعی، بازنگری در ذات و هویت موجودات، حرکت جوهری و تشکیک در وجود در حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که اولاً ملاصدرا به جهت تفکیک دوگانه‌ای که در مبنای اصالت وجود دارد؛ داری دو نگرش متفاوت در قبال مسائل مذکور می‌گردد. و نحوه طرح این مسائل متلائم با معانی دوگانه اصالت وجود و رویکرد عام و خاص وی می‌باشد. ثانیاً در این بررسی مشخص گردید که رأی نهایی ملاصدرا در مواضع مذکور متناسب و متلائم با رویکرد خاص وی و نفی هرگونه تحقق خارجی ماهیت مطرح شده است.

ملاصدرا در مسأله کلی طبیعی در رویکرد عام خویش منشأ انتزاع کلی طبیعی را ماهیت مشخص می‌داند؛ اما وی در رویکرد خاص، منشأ کلی طبیعی را امری منتزع از عالم خارج و وجود خاص خارجی لحاظ می‌کند.

وی در بحث هویت خارجی موجودات ابتدا بر اساس رویکرد عام و بر اساس اتحاد وجود و ماهیت در خارج به تبیین کیفیت تحقق مقولاتی چون جنس و فصل و نوع و امکان ترکیب آنها می‌پردازد. اما در رویکرد خاص خویش و بر اساس وحدت خارجی وجود و ماهیت هرگونه ترکیب موجودات از اجزاء ماهوی را به عالم ذهن انتقال می‌دهد و به وحدت و بساطت خارجی موجودات معتقد می‌شود.

به جهت این که در اعلی مراتب تشکیک قرار گرفته است در نتیجه فاقد اشتداد خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۳۱؛ ملاصدرا، ۱۴۲۹) (حاشیه علامه)، ۶۹/۱.

صدر المتالهین در مسأله حرکت جوهری بر اساس دو رویکرد مذکور حرکت را به دو فرایند اشتداد وجودی و اشتداد جوهری تقسیم می‌کند. وی بر این اساس متلائم با رویکرد خاص اشتداد وجودی را عبارت از تحقق مصداق و فردی سیال از مقوله جوهر می‌داند که در عالم خارج واجد مصداق می‌گردد نه اینکه موجود خارجی فردی از آن مقوله باشد. و متلائم با رویکرد عام، اشتداد جوهری را مشاهده فرایند اشتداد وجودی موجودات در مراتب وجودی توسط نفس و انتزاع و استنباط وجود حرکت و اشتداد در جوهر و ذات موجودات واجد تشکیک می‌داند.

نهایتاً در مسأله تشکیک ملاصدرا متناسب با رویکرد عام، تشکیک را در ماهیات و مفاهیم ماهوی تسری می‌دهد؛ اما بر اساس رویکرد خاص خویش با نفی هرگونه تشکیک در ماهیت یا هرگونه مفاهیم و معانی، حقیقت تشکیک را در وجود منحصر می‌نماید.

منابع

- آشتیانی، سید جلال الدین. (۱۳۸۲). *هستی از نظر عرفان و فلسفه*. قم: بوستان کتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۳). *الاشارات و التنبيهات*. تحقیق کریم فیضی. قم: مطبوعات دینی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۴). *النجاة*. قم: مرتضوی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۶). *الالهيات من کتاب الشفا*. تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: بوستان کتاب.
- بهشتی، احمد. (۱۳۸۳). *شرح نمط چهارم کتاب اشارات و تنبیهات*. قم: بوستان کتاب.
- تبریزی، ملارجعلی. (۱۳۸۶). *اصل الاصول*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). *رحیق مختوم، شرح حکمت متعالیه*. قم: اسراء.
- حائری یزدی، مهدی. (۱۳۸۰). *سفر نفس*. به کوشش عبدالله نصری. تهران: نقش جهان.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی. (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. تصحیح و مقدمه هانری کربن و دیگران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۸). *بررسی های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *نهایه الحکمه*. تحقیق غلامرضا فیاضی. قم: انتشارات موسسه امام خمینی.
- عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۸۵). *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*. تهران: سمت.
- عرفانی، مرتضی. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی معنای اصالت وجود از نگاه صدرالمتألهین و آقا علی مدرس زنوزی*. اندیشه دینی. ۱۵ (۵۶). صص ۸۵-۱۰۰.
- عرفانی، مرتضی. (۱۳۹۵). *بررسی اصالت وجود صدرایی در حکمت سینوی*. حکمت صدرایی. ۴ (۲). صص ۱۱۶-۱۲۷.
- عزیزاده، بیوک. (۱۳۸۳). *نظریه معرفت شناختی صدرا در بوته توجیه*. نامه حکمت، ۳: ۲۹-۵۰.

- فیاضی، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۴). عینیت وجود و ماهیت. فصلنامه کتاب نقد. ۳۵.
- کشفی، عبدالرسول، بنیانی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی. پژوهش‌های هستی‌شناختی. ۱. صص ۴۵-۵۶.
- کوچنانی، قاسمعلی. (۱۳۹۳). تأثیر مسأله اصالت وجود بر سایر مسائل فلسفی. مقالات و بررسی‌ها، ۷۶. صص ۲۵۵-۲۶۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۸). شرح نهائیه الحکمه. تحقیق و نگارش عبدالرسول عبودیت. قم: موسسه امام خمینی.
- ملاصدرا. (۱۳۸۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملاصدرا. (۱۴۲۹). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. قم: طلیعه النور.
- ملاصدرا. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. تصحیح و مقدمه مصطفی محقق داماد. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملاصدرا. (۱۳۱۳). شرح الهدایه الاثیریّه. تهران: انتشارات تهران.
- ملاصدرا. (۱۳۸۱). کسر اصنام الجاهلیه. تصحیح و تحقیق محسن جهانگیری. تهران: صدرا.
- ملاصدرا. (۱۳۶۳). المشاعر. تهران: کتابخانه طهوری.
- نجاتی، محمد، بهشتی، احمد. (۱۳۹۱). بررسی و تبیین مسأله کلی طبیعی در حکمت متعالیه. جاویدان خرد. ۹(۲۲). صص ۱۳۵-۱۴۸.
- نجاتی، محمد. (۱۳۹۱). حرکت جوهری ملاصدرا و پیامدهای معرفت‌شناختی آن. خردنامه صدرا. (۵۸). صص ۵۷-۶۸.
- وفائیان، محمد حسین، فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۴). الگو شناسی نگارش الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه با تکیه بر مباحث عام وجود. تأملات فلسفی. ۵(۱۵). صص ۹-۳۱.